



دکتر عبد القادر یاسین

عبدالقادر یاسین از نویسندگان چپ‌گرای فلسطینی است. واماندگی و ناتوانی نیروهای مبارز و چپ‌گرای جهان عرب سبب شد که یاسین در مقالات و تحلیل‌های خود نیروهای مبارز مسلمان همچون حزب‌الله و جنبش جهاد اسلامی تجلیل و قدردانی به عمل بیاورد. در طول جنگ ۲۲ روزه اسرائیل در لبنان او به شدت از مواضع سازشکارانه رژیم‌های عرب انتقاد کرد.

دکتر عبد القادر حسین یاسین؛ اسلو
ترجمه: دکتر رضا ناظمیان

تقدیم به مجاهد بزرگ، سید حسن نصرالله

دشمنان به دره سقوط غلتیدند و تو در اندیشه و عمل برتری یافتی...

به این موضوع، تردید داشتند. حزب‌الله به وعده‌های که داد وفا و در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی از مردم حمایت کرد، آنان را سرچایشان نشاند، همه شرایط را برای پایداری و آزادسازی سرزمینهای اشغالی مهیا ساخت و به همه آنان که دستی بر آتش دارند نشان داد که لبنان، ضعیف و ناتوان نیست. کسانی که لبنان را هتلی پنج ستاره در فصل گردشگری می‌دانستند، چنین می‌پنداشتند، قدرت لبنان در ضعف آن است، اما حزب‌الله ثابت کرد که قدرت لبنان در مقاومت آن است.

ای سید مجاهد! حزب‌الله به تعهدات خود عمل کرد و دل مردم را به دست آورد، به طوری که ارزشمندترین داراییهای خود را به پای حزب‌الله ریختند و در راه آرمانهای حزب‌الله از هیچ تلاشی فرو گذار نکردند. پیروزی آشکار سال ۲۰۰۰ و مجبور کردن رژیم صهیونیستی به عقب‌نشینی و فرار از سنگرها و استحکامات «قلعه الشقیف» و دیگر مناطق آزاد شده جنوب لبنان، بدون عزم و اراده و پایداری و قدرت ایمان و جانبازی و فداکاری رزمندگان حزب‌الله میسر نبود. شما صداقت نشان دادید و قدم در جاده راستی نهادید و صداقت، ویژگی مؤمنان است. اینک مردم نسبت به وعده‌های شما اعتماد و اطمینان کامل دارند و جلب این اعتماد، هزینه زیادی برداشته است.

و امروز، خویش را غریب میبینم و این شعر متنی، شاعر بزرگ عرب در دوره عباسیان را به یاد می‌آورم که گفت، «من از امتی هستم که مورد عنایت الهی است و خداوند، او را به کمال رهنمون شده است. من در چنین امتی، غریب و تنها هستم، همانگونه که صالح در میان قوم ثمود، غریب بود.» این امت، گرفتار حاکمان و رهبرانی شده که باعث شدند در چهار دهه گذشته، عربها و کشورهای عربی یکدیگر را بدرند، بایکدیگر دشمن باشند و به حضيض عجز و ناتوانی بیفتند. در چنین شرایطی که عرصه‌ها دوره ذلت باری را پشت سر می‌گذاشتند، یک ملت، با طنین یک حقیقت ساده که فریاد را در گلو صهیونیستی خفه کرد به پا خاست. آن حقیقت، این بود: نبرد ما با دشمن صهیونیستی، هیچگاه نبرد برای خاک نبوده است. ما برای هویت خویش

و عظمت این رزمندگان سر تعظیم فرود آورد. آنان که بر پایه ایمان به آرمان و عقیده خویش، بر سر پیمان ماندند و زیباترین حماسه‌های فداکاری و دلوری را به نیابت از سوی امتی که خود را بهترین امت (خیر امة اخرجت للناس) می‌داند، خلق کردند.

ای سید مجاهد! من همواره با سرافرازی و افتخار، نخستین دیدارمان را که ۲۲ سال پیش در محله برج البراجنه بیروت اتفاق افتاد، به یاد می‌آورم. در آن روز، شرایط بسیار سخت‌تر از امروز بود. آن روزها مقاومت اسلامی در تکاپوی آن بود که مردم، فداکاریها و جانبازیها و دلاوریهای رزمندگان مقاومت و نقش رهایی بخش آنان را باور کنند، اما هنوز برخی نسبت

دروغ و سلام خداوند و رحمت و مهربانی گسترده او شامل حال شما باد.

بیش از هر چیز باید از شاعر بزرگ فلسطینی، برادر محمود درویش، عذرخواهی کنم، زیرا به خود اجازه دادم تعدادی از ابیات حماسی فلسطینی او را با نام «مدیح الظل العالی» که ۲۴ سال پیش نوشته است، در شعر خود بگنجانم. یقین دارم که او این جسارت مرا می‌بخشد. از شوربختی جهان عرب است که امروز هم این شعر ارزشمند را به یاد آورد و آن را تکرار کند، آن گونه که گویی دوست من محمود درویش، دیروز آن را سروده است.

پس از گذشت ۴۰ سال از شکستهای پی در پی و ذلت و خواری و حقارتی که در رگها ریشه دوانده است، اعراب، به ویژه فلسطینیها چاره‌ای ندارند جز آنکه شعر بلند «مدیح الظل العالی» را برای مرثیه خوانی و سوگواری امتی سراسر پیرایه و فساد عقل به یاد آورند. ۱۶ سال است که با افتخار، اقدامات رزمندگان مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین یعنی عملیات قهرمانانه آنان علیه تروریسم رژیم صهیونیستی را که از همه نظر توسط آمریکا حمایت می‌شود، پیگیری می‌کنم. خسارتها و آسیبهایی که به لبنان و لبنانیها و ساختار زیربنایی این کشور و روستاهای جنوب و حومه بیروت و بقاع و هرمل وارد شد و دردمندیها و زبانه‌ها و ویرانیها و آوارگیهایی که بر سر سالمندان و کودکان و زنان آمد، از صمیم قلب مرا آزرده خاطر ساخت. این ویرانیها لبنان را پنجاه سال به عقب باز میگرداند. کاری از دست انسان ساخته نیست جز آن که در برابر شکوه

نصرالله
سید حسن نصرالله

تو به وعدهات وفا کردی و اکنون در کنار
رزمندگان لبنانی و فلسطینی، مسئولیتهای
بزرگ و مهمی را بردوش داری. و شما باید
دوشادوش یکدیگر با دشمن صهیونیستی و
همپیمان بزرگ آن که ابرقدرت جهان است،
بجنگید. از این جنازه‌های مومیایی شده،
انتظار هیچ گونه یاری و کمکی نداشته باش.



که نبردت
هزار سال، هزار سال به طول انجامد
هزار سال در روز
اما آنان تو را نشناختند

زیرا فقط خطابه و گریز به چشمان آنان آشناست
آیا ما واقعاً بهترین امتی هستیم که به سوی مردم گسیل
شده‌ایم؟
نقاپها افتادند
و اعراب
به هوسهای نفسانی خویش تن دادند
اینان عربهایی هستند که روح خویش را فروختند
عربهایی که گم شدند
نقاپها افتادند

ای که مرا در این لحظه‌های تهی از تجلی آفریدی
شاید من خدایی داشته باشم و او را بیرستم
شاید تو نامهارا به من آموختی
اگر این کشورها سر راهی (حرامزاده) نبودند
بانوی بیروت، داغدار نبود

ای سید مجاهد! سخن را به درازانی کشم. تو بیش از من
میدانی و فکر نمیکنم به پارس سگان و زوزه شغالان
اهمیت بدهی و چنین تلاشهای مذبحانهای بتواند
آسیبی به تو برساند، زیرا دل مستضعفان با توست. اینان
به گفته مسیح، نمک زمین هستند و زیر بیرق تو گرد
آمده‌اند و با خون پاک خویش، سطرهای شرف و بزرگی
و کرامت را بر برگهای زرین تاریخ خواهند نگاشت.
طاقت فرساترین و تیره‌ترین قسمت شب، لحظه‌های
پیش از دمیدن سپیده سحر است، آگاه باش که حزب‌الله،
پیروز است.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

و تو در اندیشه و عمل و خصلت، برتری مییابی
زمین
چیزی جز نیرویی نهفته در بازوان تو نیست
ودریا
همان ابهام‌نهاد در درون توست
پس به رنگ اشیا در آی
تا اشیا به رنگ گام جسورانه تو در آیند
سایه‌هایت را از دربار حاکمان عرب، بیرون بکش
تا بر آن، مدال نیاورند
همه سایه‌هایت را بشکن
تا آن را چون فرش نکشتراند
و به تاریکی نکشانند.

پس از همه فجایح و کشتارها و ویرانیها و آواره کردنها ۵۰
سال به عقب بازگرداندن لبنان، سران کشورهای عربی به
فکر برگزاری کنفرانس سران افتادند و الحمدلله هنوز هم
رایزنیها و مشورتها برای تجسم بخشیدن به این پیروزی
بزرگ عربی ادامه دارد:

تو را شکستند، چه
تبرهایی که بر پیکر تو
نزدند
تا بر پایه‌های تو
تخت سلطنت
خویش را بنا کنند
تو را صد پاره و هویت
تو را انکار کردند
و برای دستهای تو
لشکری را تدارک
دیدند
تو را زیر سنگ نهادند
و گفتند:
تسلیم مشو
تو را در چاه افکندند و
گفتند:
تسلیم مشو
و تو چنان کردی ای
برادر

می‌جنگیم. تا زمانی که اسرائیل با حمایت آمریکا، حقوق
تاریخی و خدشه‌ناپذیر ده میلیون فلسطینی را که قدس
پایتخت آن باشد، نمیپذیرد، روی صلح و آرامش را نخواهد
دید. کشور فلسطین به عنوان کشوری مستقل، حکومتی
بی هویت نیست که زیر سایه اسرائیل زندگی کند و هیچ
اختیاری نداشته باشد. از آن زمانی که رهبران عرب در
کنفرانس فاس سال ۱۹۸۲، راه حل بیمارگونه خود را اعلام
کردند و پنداشتند که اگر عربها، رژیم صهیونیستی را به
رسمیت بشناسند، سران رژیم صهیونیستی سر عقل
خواهند آمد و حقوق فلسطینیها را به آنان باز خواهند
گرداند، این حقیقت را نادیده انگاشتند که حتی اگر
صلحی عادلانه و فراگیر به منصفه ظهور برسد، باید با توان
نظامی و دیگر اهرمهای قدرت، از آن حمایت و صیانت
کرد، در غیر این صورت، چنین صلحی، چیزی جز تسلیم
و سازشی ذلت بار و حقارت آمیز نخواهد بود.
۲۴ سال پس از سازش اعراب و ۱۳ سال پس از صلح
شجاعانه! امروز ما به چشم میبینیم که این صلح
پوچ، این دروغ بزرگ، هزینهای را به ما تحمیل کرد که
توان پرداخت آن را نداشتیم، لذا در گرداب این ناتوانی و
ضعف و خواری و حقارت فرو رفتیم و به جایی رسیدیم که
باید با دشمنان ملتمان دوست باشیم و با آنان گرم بگیریم
و دشمن صهیونیستی حتی یک روز هم از ارتقای توان
نظامی و ماشین جنگی خود، دست برندارد و خود را با
سلاحهایی تجهیز کند که در قانون بین‌المللی، ممنوع به
شمار می‌آیند.

ای سید مجاهد!

تو به وعدهات وفا کردی و اکنون در کنار رزمندگان لبنانی
و فلسطینی، مسئولیتهای بزرگ و مهمی را بردوش داری.
و شما باید دوشادوش یکدیگر با دشمن صهیونیستی و
همیمان بزرگ آن که ابرقدرت جهان است، بجنگید. از
این جنازهای مومیایی شده، انتظار هیچ گونه یاری و
کمکی نداشته باش.

آنان در خوابی عمیق غوطه‌ورند،
این هجرتی دیگر است
پس واپسین وصیت خویش را بنویس
سفلگان به دره سقوط غلتیدند

